

فرهنگ امثال و حکم روسی - فارسی

مؤلفان:

لودمیلایزوا

آموزشگاه عالی زبان‌های خارجی
وزارت امور خارجه روسیه

دکتر صفرعلی فرسادمنش

دانشکده زبان‌های خارجی
دانشگاه تهران



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲۶۹۹

شماره مسلسل ۵۰۵۶

فرسادمنش، صفرعلی، ۱۳۱۸-
فرهنگ امثال و حکم روسی - - فارسی / مولفان صفرعلی فرسادمنش، لودمیلایووا-
تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۴.
۳۱۴، شش- (انتشارات دانشگاه تهران؛ ۲۶۹۹).
ISBN 964-03-5056-7:
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۳۱۴] - ۳۱۴.
۱. ضرب المثل‌های روسی. - - ترجمه شده به فارسی.
۲. ضرب المثل‌های ایرانی. الف. پزیرا، لودمیلایووا.
۳. ضرب المثل‌های فارسی. ب. دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ. ج. عنوان.
Ezhova, Liadmila. ب. دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ. ج. عنوان.
۴۹۸/۹۹۱۷۱ PN۶۵۰۵ / ۹ ف ۴
کتابخانه ملی ایران
۵۵۵۹-۸۴م

شابک ۹۶۴-۰۳-۵۰۵۶-۷ ISBN 964-03-5056-7

عنوان: فرهنگ امثال و حکم روسی - فارسی

تألیف: دکتر صفرعلی فرسادمنش و لود میلایووا

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۸۴ (چاپ اول)

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

بها: ۲۳۰۰۰ ریال

بنام خداوند جان و خرد

فرهنگ لغت حکم ساعت را دارد،
وجود بدترین فرهنگ از نبود آن بهتر است،
از بهترین فرهنگ لغت نیز نمی‌توان انتظار دقت
و صحت مطلق را داشت.

ساموئل جانسون

پیشگفتار

مثّل، مهمترین عنصر فرهنگ معنوی، شکل متعالی فکر و قریحه ادبی، و دیرینه‌ترین سبک خلاقیت شفاهی هر ملت است. اغلب، آن را مرواریدهای ریز اندیشه، گنجینه حکمت و فلسفه مردم می‌دانند.

امثال و حکم، میراث خلاقیت و حکمت توده مردم است که سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده و از آزمون روزگار و تحولات تاریخی در امان مانده است. بسیاری از مثّل‌ها ریشه در اعماق تاریخ داشته و حیات خود را پیش از خط و کتابت آغاز کرده‌اند. حکمت الهی، معنویات والای انسانی و اخلاقیات، همواره الهام‌بخش آفرینندگان امثال و حکم بوده است.

در میان سبک‌های گوناگون آفرینش‌های مردمی، امثال و حکم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. امثال و حکم بازتاب آداب و رسوم، خلق و خو، سنت‌های نیاکان، شیوه زندگی و تفکر و مظهر سیمای واقعی ملت است. از این‌روست که تمام اقشار جامعه در گفتار شفاهی و مکتوب خود از این گوهر گرانبها استفاده کرده و به باورهای خود غنا و ژرفای بیشتری می‌دهند. فرهنگ امثال و حکم روسی- فارسی تلاش کوچکی است که از سوی مؤلفان در راستای

مقایسه دو فرهنگ، دو فلسفه و حکمت زندگی، آداب و معاشرت، اخلاقیات، ارزش‌های معنوی و نیز آشنایی با غنا و ویژگی‌های خلاقیت مردمی، این گنجینه گرانبهای دو ملت ایران و روسیه، به عمل آمده است.

اهمیت این فرهنگ تنها در کثرت تعداد، مترادفات و گونه‌های امثال نیست، بلکه در یافتن معادل‌ها و گونه‌های متعدد معادل‌ها و ارائه آن‌ها در ذیل هر مثل است.

در این زمینه کوشش شده است در کنار بهره‌جویی از منابع و کتب موجود در زمینه امثال و حکم، آثار منظوم و منثور هر دو زبان نیز مورد مطالعه قرار گرفته و از کلمات قصار و عبارات سائری که جنبه مثل پیدا کرده‌اند، استفاده شود.

سرمدخل هر مثل روسی بر اساس کاربرد، بسامد و آهنگین بودن آن انتخاب شده و این روش در مورد مترادفات و گونه‌های روسی و معادل‌های آن‌ها در زبان فارسی نیز به کار گرفته شده است.

در پاره‌ای موارد مثلی هم در مترادفات یک سرمدخل گنجانده شده و هم به صورت سرمدخل و مستقل آمده است. علت این امر آن است که مثل مورد نظر نیز دارای کاربرد گسترده‌ای بوده است.

توضیح این نکته لازم است که در معادل‌های فارسی از مثل‌های کاملاً عامیانه کمتر استفاده شده است، گرچه این صورت از امثال، از نظر آهنگ، سادگی و روانی، موزون‌تر و دلنشین‌تر هستند.

در مواردی مشاهده می‌شود که مترادفات، گونه‌ها و معادل‌های فارسی یک مثل تنها در یک واژه یا عبارت و یا از نظر تقدم یا تأخر از یکدیگر متمایز و مستقلاً ضبط شده‌اند. این امر اتفاقی نبوده، چرا که این تمایز گاهی بار معنایی داشته و از سوی دیگر، هدف این بوده که خواننده هنگام مراجعه به یک مثل، با مترادفات، معادل‌ها و گونه‌های متنوع آن آشنا شده، در صورت تمایل به منابع مربوط مراجعه کرده و تصور نداشته باشد که مترادف، معادل یا گونه‌ای از قلم افتاده و مورد توجه و نظر مؤلفان واقع نشده است. این نکته، هم در مورد مثل‌های روسی و هم در خصوص معادل‌های فارسی رعایت شده است.

در بیشتر موارد کوشش شده که نه تنها معادل معنایی هر مثل، بلکه معادل فلسفی آن نیز، در مواردی که به ظاهر با یکدیگر مغایر ولی در واقع دارای بار فلسفی یکسان‌اند، مورد توجه قرار گیرد.

در موارد بسیار نادری، مؤلفان با داشتن تجربه تدریس و مطالعه و پژوهش، مثل‌هایی را که در بسیاری از فرهنگ‌های امثال و حکم ضبط نشده، ولی شنیده‌اند، در این فرهنگ گرد آورده‌اند.

شک نیست با تمام کوششی که بعمل آمده، این کار نیز نظیر هر کار علمی در این سطح، عاری از کاستی و خطا نیست، و مؤلفان خاضعانه انتظار دارند اهل فضل و دانش و علاقه‌مندان به این بخش از ادب و فرهنگ، عنایت نموده، خطاها و کاستی‌های ما را یادآور شوند تا چنانچه توفیق تجدید چاپ آن حاصل شود، به رفع آن‌ها مبادرت گردد.

ضمناً در برخی مثل‌ها از دو نشانه < > و () استفاده شده است. نشانه < > به مفهوم آن است که کاربرد واژه یا واژه‌های داخل این نشانه اختیاری است. نشانه () به معنای آن است که واژه یا واژه‌های داخل این نشانه را می‌توان به عنوان مترادف به کار برد.

امید است این تلاش کوچک مورد عنایت و استفاده دانشجویان، مدرسان، مترجمان، صاحبان قلم و تمامی کسانی که به این بخش از ادبیات علاقه‌مندند، قرار گرفته و با نقد و اظهارنظرهای خود، بهانه‌ای برای تداوم و پربارتر کردن آن فراهم نمایند.

از آقای دکتر عزیزالله جوینی، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، که معادل‌های فارسی مثل‌ها را مطالعه و نکات ارزنده‌ای در بهبود کیفی کار یادآور شده‌اند، بسیار سپاسگزاریم.

از سرکار خانم دکتر منور باگدالووا جزنی، عضو هیئت علمی دانشکده زبان‌های خارجی، که بخش روسی کار را مطالعه نمودند، سپاسگزاری می‌شود.

بر خود فرض می‌دانیم که مراتب سپاس و تشکرمان را از آقای دکتر مهدی فائزی‌پور؛ مدیر کل روابط بین‌المللی و دانشگاهی دانشگاه تهران، سرکار خانم دکتر ایلیمیرا دادور؛ رئیس پیشین دانشکده زبان‌های خارجی، آقای دکتر نادر حقانی؛ رئیس دانشکده زبان‌های خارجی؛ جناب آقای الکساندر ماریاسوف؛ سفیر روسیه در ایران، جناب آقای میخیل پاشکوف؛ مشاور سفارت روسیه در ایران، خانم لاریسا فارافونووا؛ مدیر آموزشگاه عالی زبان‌های خارجی وزارت امور خارجه روسیه که امکانات این همکاری علمی را فراهم نمودند، ابراز داریم.

از آقای دکتر حسین لسانی، عضو هیئت علمی دانشکده زبان‌های خارجی، که با اشراف بر اهمیت کار و مطالعه آن، شرایط فرجام یافتن این امر را فراهم و نظرات اصلاحی سودمندی ارائه نمودند، نهایت سپاس را داریم.

از آقای حمید حسینی به خاطر یکدست سازی رسم الخط و پاره ای توصیه های مفید در
جهت بهبود کیفی کار، سپاسگزاریم.
از سرکار خانم خاطره کردبچه، که با صبر و شکیبایی، کار تایپ این فرهنگ را به عهده
گرفته و با موفقیت به فرجام رسانده اند، تشکر می کنیم.

دکتر صفر علی فرسادمنش

لودمیلا یژووا

۱۹. شکورزاده بلوری، ابراهیم؛ ده هزار مَثَل فارسی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۲۰. شکورزاده بلوری، ابراهیم؛ موعظ و حکم سعدی در بوستان و گلستان، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
۲۱. شهری (شهری باف)، جعفر؛ قند و نمک / ضرب‌المثل‌های تهرانی، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۰.
۲۲. عظیمی، صادق؛ فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات متداول در زبان فارسی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۲.
۲۳. عقیقی، رحیم؛ مثل‌ها و حکمت‌ها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری، تهران، سروش، ۱۳۷۱.
۲۴. مرتضویان (فارسانی)، سید کمال‌الدین؛ داستان‌های امثال، اصفهان، ۱۳۴۰.
۲۵. مرعشی، احمد؛ واژه‌نامه گویش گیلکی، رشت، انتشارات طاعتی، ۱۳۶۳.
۲۶. نجفی، ابوالحسن؛ فرهنگ فارسی عامیانه، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۸.

فهرست منابع فارسی

۱. آذرلی، غلامرضا؛ *ضرب‌المثل‌های مشهور ایران*، تهران، انتشارات ارغوان، ۱۳۶۸.
۲. آموزگار، حبیب‌الله؛ *فرهنگ آموزگار*، تهران، ۱۳۳۳.
۳. ابریشمی، احمد؛ *فرهنگ نوین گزیده مثل‌های فارسی*، تهران، انتشارات زیور ۱۳۷۶.
۴. امینی، امیرقلی؛ *فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی*، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، بدون تاریخ.
۵. امینی، امیرقلی؛ *داستان‌های امثال*، اصفهان، ۱۳۵۱.
۶. انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم؛ *تمثیل و مثل*، جلد اول، تهران، ۱۳۵۸.
۷. انزایی‌نژاد، رضا - ثروت، منصور؛ *فرهنگ معاصر*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۸. اویسی، فضل‌الله؛ *گنج بی‌رنج*، تهران، چاپ هادی، ۱۳۷۱.
۹. برقی، سید یحیی؛ *کاوشی در امثال و حکم فارسی*، قم، نمایشگاه نشر کتاب، ۱۳۶۴.
۱۰. بهمنیار، احمد؛ *داستان نامه بهمنیاری*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۱۱. پرتوی آملی، مهدی؛ *ریشه‌های تاریخی امثال و حکم*، جلد ۱-۲، گیلان، کتابخانه سنایی، ۱۳۶۵.
۱۲. جمال‌زاده، سید محمدعلی؛ *فرهنگ لغات عامیانه*، تهران، انتشارات فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۴۱.
۱۳. جمشیدی‌پور، یوسف؛ *فرهنگ امثال فارسی*، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۷.
۱۴. حییم، سلیمان؛ *ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی*، تهران، کتابفروشی یهودا بروخیم، ۱۳۳۴.
۱۵. خدایار، امیرمسعود؛ *امثال و حکم در زبان فارسی*، تهران، چاپخانه خورشید، ۱۳۷۰.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر؛ *امثال و حکم*، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۰.
۱۷. سپهر (عرب‌زاده)، فرشته؛ *صراحی می‌تاب «ارسال‌المثل در دیوان حافظ»*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۱۸. شاملو، احمد؛ *کتاب گوجه (حرف آ-ج)*، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۷۷-۱۳۸۱.

1940 гг.

16. Снегирев И.М. *Русские народные пословицы и притчи*. Москва 1848 г.
17. Соболев А.И. *Народные пословицы и поговорки*. Москва. Издательство «Московский рабочий» 1956 г.
18. Фелицына В.П., Прохоров Ю.Е. *Русские пословицы, поговорки и крылатые выражения*. Лингострановедческий словарь. Институт русского языка им. А.С.Пушкина. Издательство «Русский язык», 1988 г.

www.ketab.ir

БИБЛИОГРАФИЯ

1. Восканян Г.А. *Русско-персидский словарь*. Москва, «Русский язык», 1986 г.
2. Даль В. *Пословицы русского народа*, в двух томах, Москва, «Художественная литература», 1984 г.
3. Даль В. *Толковый словарь живого великорусского языка*. С.Петербург, Москва, 1881 г.
4. Жигулёв А.М. *Русские народные пословицы и поговорки*. Москва. Издательство «Московский рабочий», 1965 г.
5. Жуков В.М. *Словарь русских пословиц и поговорок*. Москва, «Русский язык», 1993 г.
6. Зимин В.И., Спирин А.С. *Пословицы и поговорки русского народа*. Объяснительный словарь. Москва, 1996 г.
7. Карапетян Г.О. *Армянские пословицы и поговорки*. Москва, Издательство «Наука», 1972 г.
8. Короглы Х. *Персидские пословицы, поговорки и крылатые слова*. Москва, издательство «Наука», 1973 г.
9. Кузьмин С.С., Щадрин Н.Л. *Русско-английский словарь пословиц и поговорок* (500 единиц). Москва «Русский язык», 1989 г.
10. Куковская С.Ф. *Русские пословицы и поговорки с соответствиями в английском языке*. Минск. «Вышэйшая школа» 1992 г.
11. *Персидско-русский словарь в двух томах*. Под ред. Рубинчика, Ю.А. Москва, «Русский язык», 1985 г.
12. *Русские пословицы и поговори*. Ответственный редактор Соколова В. К. Москва, издательство «Наука» 1969 г.
13. *Русские пословицы и поговорки* под редакцией Аникина В.П. Москва, «Художественная литература», 1988 г.
14. *Русско-персидский словарь*. Составители Овчинникова И.К., Фругян Г.А., Бади Ш.М. Москва, Издательство «Советская энциклопедия». 1965 г.
15. *Словарь русского языка* под редакцией Ушакова Д.Н. Москва, 1935-

РУССКО-ПЕРСИДСКИЙ СЛОВАРЬ ПОСЛОВИЦ И ПОГОВОРК

Авторы:

Людмила Ежова
Высшие курсы иностранных языков
Министерства иностранных дел России

Доктор Сафар-Али Фарсадманеш
Факультет иностранных языков
Тегеранского университета

Содержание

Предисловие	5
А	9
Б	13
В	33
Г	61
Д	71
Е	87
Ж	91
З	97
И	107
К	113
Л	131
М	143
Н	153
О	195
П	211
Р	231
С	237
Т	265
У	271
Х	283
Ц	289
Ч	291
Ш	303
Э	305
Я	307

*Словари всё равно что часы.
Даже самые плохие
лучше, чем никакие, и
даже от самых лучших
нельзя ожидать абсолютной точности.*

Самюэл Джонсон

ПРЕДИСЛОВИЕ

Пословицы и поговорки – важнейшие элементы духовной культуры, наивысшая форма мышления и дарования, древнейший жанр устного народного творчества. Их часто называют маленькими жемчужинами мысли, сокровищами народной мудрости, творчества, и народной философии.

Пословицы и поговорки, являющиеся наследием народного творчества, передаваясь из уст в уста, из поколения в поколение и, несмотря на жизненные испытания и исторические преобразования никогда не исчезли. Уходя своими корнями в глубь веков, многие из них появились ещё тогда, когда не было письменности.

Божественная мудрость, высокая человеческая мораль и нравственность всегда были вдохновителями людей, создающих пословицы и поговорки.

Пословицы и поговорки занимают особое место среди различных жанров народного творчества. Они олицетворяют истинно народные образы, традиции предков, обычаи, нравы и отражают образ жизни и мышления. Именно поэтому все слои общества в обиходной и письменной речи пользуются этими сокровищами, обогащая и углубляя при этом свои мысли, взгляды и убеждения.

Словарь пословиц и поговорок русского и персидского языков скромная попытка авторов дать возможность читателю сравнить две культуры, две философии жизни и, сопоставляя этику, мораль и духовные ценности, увидеть своеобразие и богатство народного творчества – драгоценного сокровища двух стран Ирана и России.

Особенность и значимость предлагаемого вниманию словаря заключаются не только в количестве приводимых пословиц, во множестве синонимов и вариантов одной и той же пословицы,

поговорки, но и в обилии эквивалентов, различных вариаций и подведение их под рамки одной пословицы.

Одновременно с использованием исконно народных пословиц и поговорок, мы нашли целесообразным взять на учёт из поэтических и прозаических произведений обоих языков, афоризмы и крылатые выражения, перешедшие в пословицы и поговорки.

Мотивом выбора пословицы в качестве заглавной является частотность употребления и музыкальные созвучия. Такой критерий принят и в отношении к русским синонимам и вариантам, а также к персидским эквивалентам.

Встречаются случаи, когда какая-либо пословица приводится и как синоним и в качестве самостоятельной или заглавной. Такой подход вызван тем, что данная пословица обладает широким распространением в речи.

Следует отметить, что в словаре, в персидских эквивалентах меньше приведено просторечных пословиц и поговорок, хотя они с точки зрения созвучия, простоты и плавности, более ритмичны, благозвучны и запоминающиеся.

Иногда имеет место тот факт, что синонимы, варианты, а также персидские эквиваленты одной и той же русской пословицы различаются лишь одним словом, оборотом или же порядком их расположения в предложении. Такая постановка вопроса не случайна, ибо это различие, с одной стороны, носит семантическую нагрузку, а с другой стороны, служит ознакомлению читателя с синонимами, эквивалентами и вариантами, даёт возможность читателю, при желании, обратиться к источникам данной пословицы и убедиться в том, что авторы, по мере возможности, использовали все разнообразные формы пословиц и поговорок, стремясь ничего не упустить из виду. Этот подход к вопросу был соблюлён авторами как в отношении к русским пословицам и поговоркам, так и к их персидским эквивалентам.

В большинстве случаев авторы при рассмотрении пословиц и поговорок принимали во внимание не только семантическую, но и философскую значимость каждого эквивалента, когда внешне данный эквивалент как бы противоречит русской пословице, но фактически имеет равнозначимый философский вес.

В крайне редких случаях, авторы, используя свой научно-педагогический и исследовательский опыт, привели пословицы и

поговорки, услышанные ими, но не зафиксированные в опубликованных известных трудах.

Нет сомнений, что несмотря на все приложенные усилия, данная работа как труды подобного типа не лишена недостатков и неточностей, и авторы искренне ожидают от всех интересующихся этой областью культуры и литературы, указать на неточности и слабые стороны в работе, чтобы при возможности нового издания были приложены усилия к устранению этих недостатков

В некоторых пословицах и поговорках использованы знаки < > и (). Знак < > означает, что слова и выражения, употребляемые в данном знаке, могут быть факультативными. Знак () означает, что слова и выражения, употребляемые в данном знаке, могут быть применены в качестве синонимов.

Авторы надеются, что эта работа будет доброжелательно встречена студентами, аспирантами, преподавателями, переводчиками, и всеми интересующимися народным фольклором, соображения и критические замечания которых могут способствовать продолжению и обогащению данного труда.

Нам хотелось бы высказать благодарность господину доктору Азизолла Джоейни, профессору факультета литературы и гуманитарных наук, рассмотревшему персидские эквиваленты и сделавшему ценные замечания по улучшению работы.

Слова благодарности госпоже доктору Монаввар Багдаловой-Джазани, старшему преподавателю кафедры русского языка факультета иностранных языков, рассмотревшей русскую часть работы.

Считаем своим долгом выразить особую признательность господину Мехди Фаззипуру, генеральному директору Департамента международных и межуниверситетских связей Тегеранского университета, госпоже Эльмире Дадвар, бывшему декану факультета иностранных языков, господину Надеру Хаккани, декану факультета иностранных языков, господину Александру Марьясову, Послу России в Иране, Михаилу Пашкову, советнику Посольства России в Иране и госпоже Ларисе Фарофоновой, директору Высших курсов иностранных языков МИД России за содействие и бесценный вклад в осуществлении творческого сотрудничества между иранскими и российскими филологами.

Выражаем также свою благодарность господину доктору Хоссейну Лесани, доценту кафедры русского языка факультета иностранных

языков за советы и в создании благоприятных условий для успешного завершения работы.

Приносим благодарность господину Хамиду Хасани за унификацию письменности, корректирование текста и полезные технические советы по улучшению работы.

Госпожа Хатере Кордбаче взяла на себя тяжёлый труд осуществления компьютерной разработки словаря, в связи с чем мы выражаем ей свою искреннюю благодарность.

Людмила Ежова

доктор Сафар-Али
Фарсадманеш



А ВОЗ И НЫНЕ ТАМ.

این قافله تا به حشر لنگ است.
پالان خر دجال است؛ شب می‌دوزیم، صبح پاره است.

А ЛАРЧИК ПРОСТО ОТКРЫВАЛСЯ.

معما چو حل گشت، آسان شود.

А НЕШТО ЗНАЕТ СОБАКА ПЯТНИЦУ.

از خر می‌پرسند چهارشنبه کی است.
از خر می‌پرسند چهارشنبه‌سوری کی است.
از دیوانه می‌پرسد شب چهارشنبه کی است.
دیوانه را می‌پرس که از ماه چند است.

А РЫЛЬЦЕ У ТЕБЯ В ПУХУ.

قَسَمَت را باور کنم یا دَم خروس را؟
قَسَمَت را باور کنم یا عَرَعَر خر را؟
قَسَم حضرت عباس را ببینم یا دَم خروست را؟
دروغَت را باور کنم یا لَنگ خروس را؟
قَسَم مخور که باور، لَنگ خروس برابره.

А СЛОНА-ТО Я И НЕ ПРИМЕТИЛ.

Слона-то я и не приметил.
Лесом шёл, а дров не видал.

ذره می‌بیند و خورشید نمی‌بیند.
میل و مناره را نمی‌بیند، ولی ذره را در هوا می‌شمارد.
خان مرو شده، چنار جلو منزلش را نمی‌بیند!
چنار دَم خونه‌شو نمی‌بینه.

АЗБУКИ НЕ ЗНАЕТ, А ПИСАТЬ САДИТСЯ.

Из молодых, да ранний: петухом кричит.

Не дородился, а на свет явился.

Наш петушок не нажил гребешок, а туда же – кукарекает.

نخوانده ملاست.

شاگرد نشده، استاد شده.

هنوز سر از تخم بیرون نیاورده، قَدْ قَدْ می کند.

غوره نشده، می خواهد مویز شود.

تازه کارو پرمده است.

هنوز موش نشده، می خواهد عیار شود.

هنوز زرده را بالا نکشیده، قَدْ قَدْ می کند.

هنوز سوار نشده، قیقاچ می اندازد (می رود).

АЛМАЗ АЛМАЗОМ РЕЖЕТСЯ.

Алмаз алмазом рушится, вор вором губится.

Алмаз алмазом гранится, плут плутом губится.

سنگ را سنگ می شکند.

سنگ است که سنگ را می شکند.

آهن را با آهن می بُرنند.

آهن را آهن می شکند.

آهن را با آهن توان کوفت.

آهن را با آهن از کوره درمی آورند.

مرغ را به مرغ توان گرفتن.

АЛТЫННОГО ВОРА ВЕШАЮТ, А ПОЛТЫННОГО ЧЕСТВУЮТ.

Что сходит с рук ворам, за то воришек бьют.

Кто украдет рубль, того дают под суд, а кто тысяч двести, того держат в чести.

Благополучно проходит рыба крупная, всё застревает рыба мелкая.

شتر دزد را ول می کنند، آفتابه دزد را می گیرند.

АППЕТИТ ПРИХОДИТ ВО ВРЕМЯ ЕДЫ.

اشتها زیر دندان است.

АРТЕЛЬ БЕЗ ВОЖАКА, ЧТО ТОПОР БЕЗ ДЕРЖАКА.

Красна рать воеводою.

کار، کارفرما می خواهد.
قشونی که رئیس نداره حالش بهتر از این نمی شه.

АРТЕЛЮ ГОРУ ПОДНИМЕШЬ.

Артелью гору поднимаешь, а один и камень не сдвинешь.
В единении сила.
Миром и горы двинем.
Смелость города берёт.

آری به اتفاق، جهان می توان گرفت.
پشه چو پُر شد، بزند پیل را.
دو دل یک شود بشکند کوه را.
اتحاد، موجب قوت است.
دست خدا با جماعت است.
یدالله فوق ایدیهیم.